

خانم دکتر زهرا شادمان

مشاور کتابخانه سنا در سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۷

هما افراسیابی

یادداشت: خانم دکتر زهرا شادمان در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشگاهی را تا مقطع لیسانس ادبیات فرانسه در تهران گذراند. جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه گشت و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ فوق لیسانس کتابداری از مدرسه عالی کتابداری پاریس و ۱۳۴۸ دکتری دانشگاهی ادبیات تطبیقی از دانشگاه سوربن پاریس گردید. ایشان به زبان فرانسه و انگلیسی هر دو تسلط دارند. مشاغل: عضو هیات علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری (در مرتبه رهبری پژوهش و سرپرست مرکز در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹)، مدرس مدعو کتابداری دانشگاه تهران، عضو هیات علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بازنشسته از سال ۱۳۶۸. عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفلا؛ عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق. مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در برنامه احداث و تجهیز ساختمان کتابخانه؛ عضو کمیته مارک ایران؛ مشاور رییس کتابخانه‌های پژوهشگاه علوم انسانی

س - خانم دکتر شادمان ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، تا بتوانیم از تجربیات شما استفاده کنیم، همان گونه که مستحضرید کتابخانه مجلس در نشریه داخلی خود که همان "پیام بهارستان" است، هر چند گاهی ویژه نامه‌ای منتشر می‌کند که تا به حال دو شماره از این ویژه نامه منتشر کرده است. ویژه نامه سوم "ویژه نامه کتابخانه شماره دو مجلس شورای اسلامی (سنای سابق)" است. با توجه به اهمیت این مجموعه که از مجموعه‌های تخصصی ایران‌شناسی - اسلام‌شناسی است و نظر به اینکه شما هم در سازماندهی این منابع نقش فعالی داشته‌اید، مزاحم شما شدیم. لطفاً راجع به نحوه ارتباط خود با این کتابخانه برای ما توضیح بفرمایید.

ج - زمانی که جناب آقای جهان‌داری، رییس کتابخانه مجلس سنا در سال ۱۳۴۹ مجوز استخدام نیروی انسانی را از رییس وقت مجلس گرفتند، از من خواستند که به عنوان مشاور کتابخانه هفته‌ای یک روز در آنجا حضور پیدا کنم و بخش فهرست نویسی کتابخانه را راه‌اندازی کنم، چون تا آن زمان فقط کتابها جمع‌آوری شده بود و برای هر کتاب چند برگه راهنما (براساس نام پدیدآور، عنوان و موضوعات البته به روش سنتی) تهیه شده بود که در برگه‌ها برگره‌آرایی و کتابها نیز به روش سنتی در قفسه‌ها چیده می‌شدند. مثلاً یک کتاب چند جلدی هر جلدش در قفسه‌های مختلف چیده شده بود و در کنار هم نبود. ایشان از من خواستند طرحی برای شروع

کار فهرست نویسی و رده‌بندی کتابها ارائه بدهم و ضمناً نظارت بر استخدام کارمندان لازم را نیز به من واگذار کردند. اولین شرط این بود که از مجلس هیچ کس را به کتابخانه تحمیل نکنند و گفتم روش کار بدین گونه است که اگر کسی یکی از بستگانش در مجلس کار کند، او را استخدام نمی‌کنیم و برای آن هم دلایلی داشتیم اولاً این که باب می‌شود و هر کس یکی از فامیل و بستگان خود را جهت استخدام معرفی می‌کند و در ثانی وقتی کارمند کتابخانه کیلی را در مجلس داشته باشد که جایگاه شغلی بالایی داشته باشد، همیشه امکان استفاده از نفوذ او را دارد و این نظم واقعی کار یک سازمان را به هم می‌ریزد. ضمناً هر کس باید بداند که با ارزش کار خود، شناسایی و موفقیت پیدا می‌کند نه با روابط سببی و نسبی. به عنوان نمونه در همان زمان خانمی را به من معرفی کردند که پدر شوهرش رییس امور اداری و مالی مجلس بود. این خانم دارای مدرک فوق لیسانس کتابداری بود و بسیار کتابدار خوبی هم بود، ولی به همان دلایلی که گفتم، قبول نکردم.

آقای جهان‌داری هم بسیار خوب همراهی کردند حتی وقتی که چند نفر از کارکنان بنیاد فرهنگ ایران را معرفی کردند، گفتند پس از انجام امتحانات و مصاحبه لازم در صورتی که فکر کردید مفید هستند، اعلام کنید تا جهت استخدام آنها اقدام شود.

چون برای انجام کار سازماندهی این کتابخانه آمده بودم،

۲۴
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

همه این چهار نفر شخصاً سابقه آشنایی دورادور از زمان تحصیل در دانشکده ادبیات را داشتیم و کم و بیش هم دوره دانشکده‌ای بوده‌ایم. دو ماشین نویس هم استخدام شدند و بدین ترتیب کار این گروه ۶ نفره آغاز گردید و شکل گرفت.

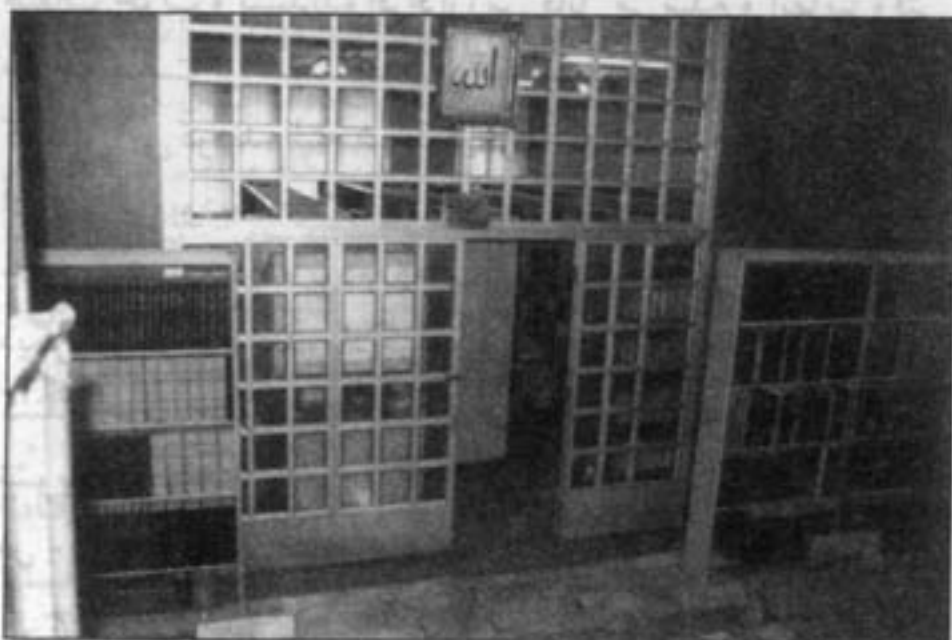
فهرست نویسی بعضی از منابع این کتابخانه خیلی مشکل بود و در آن زمان هم مثل الان همه ابزار کار مهیا نبود، با مرحوم آقای طاهری عراقی که روی طرح گسترش رده بندی BP اسلام کار می‌کرد، صحبت کردم که هفته‌ای یک روز در این کتابخانه کار کند که بدین وسیله هم متون اسلامشناسی کتابخانه را فهرست نویسی کند و هم تکمیل طرح رده BP اسلام را انجام داده باشد. ایشان تا زمانی که برای ادامه تحصیل بورس گرفت و به انگلستان رفت هفته‌ای یک روز در کتابخانه کار می‌کردند. پس از عزیمت ایشان از آقای کامران فانی خواهش کردم که هفته‌ای یک روز به کار فهرست نویسی این کتابخانه کمک کند.

س - پس به غیر از انتخاب سرپرست این طرح، انتخاب بقیه نیروها با نظارت شما بود؟

ج - بله، آقای جهاننداری اصلاً به جزئیات کار سازماندهی کاری نداشتند، افراد را معرفی می‌کردند اصراری به استخدامشان نمی‌کردند. ولی همه کارمندان مشروط آغاز به کار می‌کردند، یعنی باید چند ماه کار می‌کردند و اگر از کار و رفتارشان رضایت حاصل بود به کارشان ادامه می‌دادند. روش کار هم بدین گونه بود که همه کارمندان به جز دو ماشین نویس دور یک میز کار می‌کردند و میز دو ماشین نویس هم در کنار این میز بود. چون فهرست نویسی یک کار مشاوره‌ای است و بدون مشورت کار خوبی نمی‌توان ارائه داد. و لازمه این که این عده بتوانند با هم خوب کار کنند، این بود که سنخیت رفتاری با هم داشته باشند و همه اهل کار باشند و این چیزها از نظر من خیلی مهم بوده و هست.

س - آیا شما در حال حاضر با همه همکاران سابق ارتباط دارید؟

ج - بله، با همه همکاران خانم دبیری که یکی از صمیمی‌ترین



طرحی تهیه کردم و خواستار استخدام ۶ نفر نیرو به این گونه شدم که حتماً یک نفر از آنها فوق لیسانس کتابداری داشته باشد، نفر دیگر، دارای فوق لیسانس زبان و ادبیان فارسی و مسلط به زبان عربی باشد و دو کارمند دیگر، یک نفر مسلط به زبان فرانسه و دیگری مسلط به زبان انگلیسی باشد و لیسانس داشته باشند (و شرط هم این بود که لیسانس‌ها باید حتماً فوق لیسانس کتابداری بگیرند، ولی وقتی استخدام شدند و آمدند و کار یاد گرفتند، دیگر برای ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس کتابداری، سخت‌گیری نکردیم) و دو نفر ماشین نویس مسلط به تایپ فارسی و لاتین. شرط دیگری که داشتیم این بود که هیچ کس از هیچ قسمت مجلس به این نیروها کاری را ارجاع ندهد و انصافاً تا زمانی هم که من آنجا بودم (تا قبل از انقلاب) به همین گونه هم بود. در نتیجه مسئولیت کار این ۶ نفر با من بود و حتی رییس کتابخانه هم کار دیگری به آنها ارجاع نمی‌داد.

فضای مخازن کتابخانه و هم چنین فضای کار در کتابخانه بسیار محدود بود و ما پس از شروع کار فهرست نویسی و رده بندی کتاب‌های کتابخانه، فضای کتابخانه را نیز کم کم گسترش دادیم و مخزن لاتین را از مخزن فارسی جدا کردیم اولین کسی که استخدام شد خانم جمیله دبیری بود. ایشان برای استخدام به مرکز خدمات کتابداری (که در آنجا شاغل بودم) مراجعه کرده بود و من به او پیشنهاد کردم که در کتابخانه مجلس سنا استخدام شود. من با ایشان آشنایی کمی داشتم می‌دانستم که شاگرد مدرسه زاندارک بود و چون خودم هم در آنجا تحصیل کرده بودم، می‌دانستم باید نظم کاری خوبی داشته باشد و زبان فرانسه را هم خوب بداند. مدرک لیسانس زبان و ادبیات فرانسه هم داشت. نفر بعدی خانم مهوش شاهره بود که فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی داشت و دانشجوی دوره دکتری بود و به زبان عربی هم تسلط داشت، خیلی خوب درس خوانده بود و دانشجوی نمونه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود و آقای جهاننداری هم او را می‌شناخت. (از ایشان و خانم دبیری تعهد گرفتیم که هر دو حتماً در رشته کتابداری هم تحصیل کنند) نفر سوم خانم مهرانگیز صمدی بود. او فوق لیسانس کتابداری داشت و به زبان انگلیسی هم مسلط بود (از کارمندان مرکز خدمات کتابداری بود و کتابداری بسیار خوب) به علت خردسالی فرزندانش طالب کار پاره وقت بود و چون ساعات کار کتابخانه مجلس از ۸ صبح الی ۱ بعد از ظهر بود، این کار برایش بسیار مناسب بود. خانم صمدی سرپرست بخش فهرست نویسی و رده بندی این کتابخانه شد. کارمند بعدی خانم شهلا رجالی بود که دارای لیسانس زبان فارسی بود. ایشان هم در بنیاد فرهنگ ایران سابقه کار کتابداری داشتند باید این نکته را هم اضافه کنم که با

دوستان من است. خانم صمدی هم اکنون در آمریکا در کتابخانه‌ای شاغل است و تماس ما کماکان برقرار است. خانم شاهراد در آن زمان خیلی تشویق کردم که دوره فوق لیسانس کتابداری را بگذرانند، ولی ایشان بعد از این که به آمریکا رفت پس از مدتی تدریس زبان و ادبیات فارسی، در رشته کتابداری هم تحصیل کرد و فوق لیسانس گرفت و مدتی رییس قسمت مواد سمعی و بصری یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های عمومی آمریکا شد و در حال حاضر رییس قسمت Information service یک کتابخانه است. خود این افراد نیز با هم دوست شدند چون سال‌ها دور یک میز نشستند و با هم کار کردند.

همه این شش نفر خیلی خوب و جدی کار می‌کردند و در روز ۵ الی ۶ ساعت در محل کار حضور داشتند ولی واقعاً کار می‌کردند. مجموعه کتابخانه هم مجموعه درجه یکی بود و هر چه وقت صرف کار می‌شد واقعاً لذت بخش بود.

همان گونه که گفتم من هفته‌ای یک روز در آن کتابخانه کار می‌کردم و آن روز هم کارم رسیدگی به کار سازماندهی بود و بررسی کارهایی که نیاز به تصمیم‌گیری داشت. تمام جایجایی مخازن کتابخانه و حمل کتاب‌ها با خودمان بود و منتظر کارگر نمی‌شدیم. البته حمل کتاب نادر و نفیس را چگونه می‌شود به دست کارگر سپرد. چون کارگر اگر کتابی از دستش بیفتد و پاره شود فقط یک «آخ» می‌گوید. به همین دلیل کل جایجایی کتاب‌ها با همین نیروها بود و در روزهایی که من هم حضور داشتم، کمک می‌کردم. چون در روز اول با همه نیروها این شروط را کرده بودم که از پاک کردن کتاب‌ها تا جایجایی و تمیز کردن روی میز کار و... همه با خودتان است. البته همه این نیروها، کارکنانی بسیار منضبط بودند.

س - مقداری از روحیه کاری خودتان و نحوه ارتباط با این نیروها برایمان صحبت کنید.

ج - کار خاصی نمی‌کردم. تنها هنری که داشتم این بود که برای صفات خوب و پسندیده افراد ارزش قائل می‌شدم و آنها نیز وقتی متوجه صفت ارزشمند خود می‌شدند جهت حفظ و تقویت آن کوشش می‌کردند. البته شرط دیگری در استخدام افراد داشتم و آن هم این بود که قبلاً کار دولتی در جای دیگری نکرده باشند. چون به تجربه دیده بودم که بیشتر کسانی که در ادارات دولتی دیگر کار کرده بودند، یاد گرفته بودند که لزومی ندارد حتماً کار کنند، چون حقوق آدم را که می‌دهند و فقط ممکن است تشویق‌نامه ندهند.

س - مراجعین به این کتابخانه در آن زمان چه کسانی بودند؟
ج - مسئله‌ای که همه ما را مقداری آزار می‌داد همین بود که با

همه زحمتی که جهت فراهم‌آوری و سازماندهی منابع کشیده می‌شد، مراجعه‌کننده کم بود و هم به خاطر محل کتابخانه و هم نداشتن تالار مطالعه مناسب بود. با این وجود تعداد انگشت‌شماری که مراجعه می‌کردند، مراجعین به حق این کتابخانه بودند و طالب استفاده از این مجموعه خاص، چون در جای دیگر منابع موجود در این مجموعه را یک جا و در کنار هم نیافته بودند. چند نفری را به یاد دارم از جمله آقای یارشاطر، آقای زریاب خویی (پس از این که از این کتابخانه رفته بودند) و آقای قریشی (که پاکستانی بود).

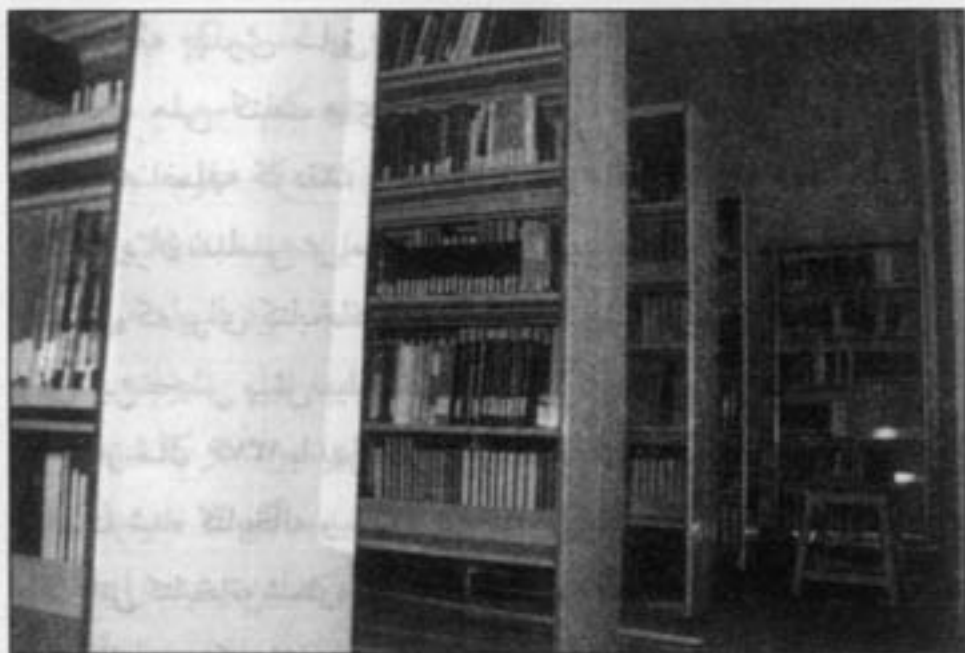
س - آیا خاطره‌ای از آن روزها دارید؟

ج - من معمولاً در ساعات کار اداری با کسی حرف نمی‌زدم. مگر راجع به کار باشد. بنابراین خاطره کار بود و آن هم کار با آدم‌هایی که اعتقاد به کارشان داشتند و سعی می‌کردند اشتباهی نکنند و اگر هم اشتباهی رخ بدهد، از ندانستن باشد، نه از نخواستن. کار با این آدم‌ها همیشه لذت بخش است.

س - لطفاً نظرتان را راجع به مجموعه این کتابخانه بفرمایید؟

ج - مجموعه این کتابخانه مجموعه‌ای بسیار نفیس است. مهمترین بخش این مجموعه، منابع لاتین آن است. چون منابع ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی که در ایران منتشر می‌شود در اکثر کتابخانه‌های کشور موجود است. به عنوان نمونه مجلات فرنگی موجود در این کتابخانه بسیار مهم و باارزش است و باید فراهم‌آوری آن ادامه پیدا کند تا مجموعه دچار نقصان نشود. تهیه مجموعه ایران‌شناسی فرنگی نیاز به سرمایه کلان دارد، در این کتابخانه منابع قدیمی حتی المقدور، تهیه گردیده و از این نظر مجموعه بسیار نفیسی است. آقای جهاننداری کتاب‌شناس بسیار خوبی هستند و مجموعه بسیار خوبی را انتخاب و تهیه کرده است. اگرچه مبنای کار تاسیس کتابخانه را آقای تقی زاده گذاشت و

زمانی آقای زریاب خویی زحمات زیادی کشیدند ولی از زمانی که من با آن کتابخانه همکاری داشتم تا قبل از انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۷) آقای جهاننداری شخصاً روزی حداقل ۲ الی ۳ ساعت مشغول خواندن کاتالوگ‌ها و نقد کتاب بودند و کتاب‌هایی را که تشخیص می‌دادند خوب است، انتخاب می‌کردند و جهت تهیه آنها اقدام می‌کردند. ایشان واقعاً به این کتابخانه عشق داشتند و با علاقه کار می‌کردند. مجموعه ایران‌شناسی این کتابخانه حتی از کتابخانه ملی هم بهتر است. مجموعه ایران‌شناسی کتابخانه ملی، عمدتاً همان مجموعه کتابخانه پهلوی است که بعداً منابع جدید را تهیه و به آن اضافه کرده‌اند. مجموعه ایران‌شناسی کتابخانه شماره دو مجلس بسیار منسجم‌تر و انتخاب شده‌تر و در ایران منحصر به فرد است. البته در واقع منابع کتابخانه مجلس، باید نوع دیگری باشد نه منابع موجود در کتابخانه شماره یک و شماره دو.



کتابداری و هم در کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس سنای سابق بودید، آیا کار سازماندهی کتابخانه شماره دو (مجلس سنای سابق) بر روی کار کتابخانه ملی تاثیر گذار بوده یا نه؟

ج - کار فهرست نویسی ورده بندی تمام کتابخانه های کشور در حد خودشان بر روی کار کتابخانه ملی تاثیر گذار است. هر کتابخانه ای در هر کجای ایران اگر کار فهرست نویسی ورده بندی را به طور اصولی و صحیح انجام دهد، کارش تاثیر گذار است. هر کتابخانه ای اگر بخواهد در کار فهرست نویسی خود تصمیم گیری استاندارد بکند، وظیفه حرفه ای دارد که این تصمیم را با کتابخانه ملی در میان بگذارد و بعد عمل کند. اگر تصمیم گیری درست و صحیح باشد، در کتابخانه ملی تصویب می کنند. و موضوعاتی را که جهت کتاب ها انتخاب می کنند در "سرعنوان های موضوعی فارسی" آورده می شود. البته الان که فهرست نویسی "فیا" انجام می شود این ارتباط ها کمتر شده است، چون ناشر قبل از نشر کتاب خود را جهت فهرست نویسی به کتابخانه ملی می برد و تصمیم گیری های لازم جهت موضوعات و شماره رده بندی انجام می گیرد و سپس کتاب منتشر می گردد. در گذشته زمانی که مرحوم طاهری عراقی روی طرح رده بندی BP اسلام کار می کرد، جهت انجام کار خود هفته ای یک روز در این کتابخانه کار فهرست نویسی کتاب های رده اسلام را انجام می دادند که علاوه بر بخشی از کار فهرست نویسی این کتابخانه، طرح خود را هم تکمیل می کردند. ایشان قبل از این کتابخانه از مجموعه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد بهره گرفته بودند و بعد از آن از کتاب های این کتابخانه جهت تکمیل طرح خود استفاده کردند. بدون شک کار این کتابخانه تاثیر گذار بوده است. البته تنها این کتابخانه نبود، بقیه کتابخانه های کشور هم تاثیر داشته اند.

س - از چه زمانی کتابخانه ملی به فکر ایجاد مجموعه ایران شناسی افتاد؟
ج - پس از ادغام کتابخانه پهلوی سابق در کتابخانه ملی. هسته اصلی مجموعه ایران شناسی کتابخانه ملی، مجموعه ای است که

ولی به هر حال این مجموعه ایران شناسی که متولی آن همیشه مجلس بوده، وجود دارد و ضروری هم ندارد که در جوار محلی که برای ایران تصمیم گیری می شود، یک مجموعه بسیار غنی ایران شناسی نیز وجود داشته باشد، شناسایی و مطالعه آن، شناسایی مملکت است و این گونه نیست که این مجموعه اصلاً ارتباطی به کار مجلس و قانون گذاری نداشته باشد. شناسایی درست و صحیح این مملکت، مبنای هر کار مثبت در آن است.

س - همان گونه که مطلع هستید این کتابخانه و کتابخانه شماره یک از سال ۱۳۶۳، تحت یک مدیریت قرار گرفتند و یک سازمان محسوب شدند و از سال ۱۳۷۵ با تصویب اساسنامه، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی جایگاه مستقلی یافت و ردیف بودجه مستقلی برای آن ایجاد شد. در چارت فعلی کتابخانه شماره ۲ جایی ندارد، لطفاً نظرتان را راجع به جایگاه این کتابخانه مطرح نمایید.

ج - خوب باید در این چارت تجدیدنظر بشود، آیه قرآن که نیست، در مقطعی عده ای این گونه فکر کردند و این چارت را تهیه کردند، حالا باید عوض کنند.

اگر با این چارت سازمانی منظور این بوده که مجموعه کتابخانه شماره دو با مجموعه کتابخانه شماره یک ادغام شود، روشن است که این کتابخانه رانمی شناخته اند، نه از لحاظ مجموعه و نه از لحاظ سازماندهی. چون مجموعه کتابخانه شماره دو، تنها مجموعه کاملاً سازمان یافته در این دو کتابخانه است. کار سازماندهی مجموعه کتابخانه شماره یک چند سالی است که شروع گردیده و راه طولانی را در پیش دارد. ادغام این دو مجموعه هم باعث آشفتگی کتابخانه شماره یک می شود و هم انسجام این مجموعه را از بین می برد، چون این دو کتابخانه با دو تفکر متفاوت یکی کاملاً سنتی و دیگری کاملاً حرفه ای اداره شده اند. کار سازماندهی کتابخانه شماره دو تقریباً از هر کتابخانه تخصصی علوم انسانی دیگر کشور بهتر بود. زمانی که کار سازماندهی این کتابخانه شروع شد، اصلاً سرعنوان موضوعی فارسی وجود نداشت و فقط در مرکز خدمات کتابداری حدود ۵۰۰ برگه مستند موضوعی بود. این کتابخانه تنها کتابخانه ای بود که وقتی کتاب های فارسی و عربی فهرست نویسی می شد، علاوه بر موضوعات فارسی به لاتین هم موضوع داده می شد. نظر این بود که کسی که به کتابخانه تخصصی مراجعه می کند، محقق است و حتماً زبان می داند و فرقی نمی کند که کتاب به چه زبانی باشد او باید بتواند همه کتاب های هم موضوع را به هر زبانی که باشد، یک جا بیابد. پس از چاپ "سرعنوان های موضوعی فارسی" کار خیلی راحت تر است و می توان به کتاب های خارجی موضوع فارسی هم داد.

س - با توجه به این که شما دارای تجربه کار هم در مرکز خدمات

از کتابخانه پهلوی سابق آمده است. بعداً از مجموعه موجود در کتابخانه ملی کتاب های ایران شناسی را جدا کردند و به این مجموعه اضافه کردند. در چارت سازمانی جدید کتابخانه ملی بخش ایران شناسی و اسلام شناسی نیز ایجاد شد. در ساختمان جدیدی که برای کتابخانه ملی ساخته می شود. یک قسمت اساسی برای این بخش پیش بینی شده است.

س - در سال ۱۳۷۶ با بهره گیری از اطلاعات برگه دانه های کتاب های فهرست شده کتابخانه و برنامه نرم افزار شرکت پارس آذرخش، پایگاه اطلاعاتی کتابخانه شماره دو ایجاد شد و به گفته کارشناسان این شرکت، پایگاه نامبرده یکی از بهترین پایگاه های اطلاعاتی ایجاد شده در کشور می باشد. در این پایگاه دوگانگی هایی در بین شماره های رده بندی کتابهای تاریخ ایران، کتاب های رده BP اسلام و رده PJA ادبیات عرب دیده می شود و دلیل هم آن است که فهرست نویسی کتاب های این کتابخانه در سال ۱۳۴۹ شروع شده و در آن زمان رده های گسترش یافته توسط کتابخانه ملی وجود نداشته است و طبعاً با استفاده از رده های L.C. شماره رده بندی کتاب ها تعیین گردیده است و پس از انتشار رده های گسترش یافته، شماره های رده بندی کتاب های جدید از روی این رده ها تعیین گردیده است، نظر شما در مورد این پایگاه و دوگانگی های موجود آن چیست؟

ج - شماره رده بندی یک وسیله بازیابی است. تا زمانی که بودجه لازم و نیروی متخصص کار آزموده ندارید، بهتر است کتاب های قدیمی فهرست نویسی شده را همان گونه نگهدارید و کتاب های جدیدی را که فهرست نویسی می کنید با استفاده از گسترش ها شماره بدهید. هر وقت بودجه لازم و کتابداران حرفه ای آشنا به متون اسلام شناسی و ایران شناسی داشتید، با یک طرح ضربتی حداکثر ۶ ماهه می توانید کار تصحیح را انجام بدهید. در کتابخانه کنگره آمریکا نیز این دوگانگی ها به چشم می خورد، البته کتابخانه کنگره دارای میلیون ها کتاب و مخازن بسته متعدد است و تصحیح مجدد شماره های رده بندی کاری بسیار دشوار و غیر لازم است. ولی کتابخانه شماره ۲ یک مجموعه حدود ۴۰/۰۰۰ جلدی دارد و برای ارائه خدمات مناسبتر ارزش این هزینه را دارد. ضمناً این کار را می شود کم کم و به مرور زمان به این نحو انجام داد که اگر ویرایش جدیدی از این کتاب ها آمد، وقتی آن را فهرست نویسی می کنید، ویرایش قبلی را هم تصحیح کنید تا هر دو ویرایش در قفسه کنار هم قرار بگیرند. البته انجام همه این کارها به کتابدار حرفه ای و آشنا به مجموعه نیاز دارد.

س - با توجه به این که شما به عنوان مشاور نقش مثبتی در کتابخانه های کشور داشته اید، نظرتان راجع به خصوصیات یک مشاور چیست؟

ج - به نظر من وقتی کسی را به عنوان مشاور انتخاب می کنند،

باید نظرش را قبول داشته باشند. البته این رابطه باید دو طرفه باشد. اگر من کسی را قبول نداشته باشم، و از من بخواهد مشاورش شوم قبول نمی کنم. چون مشورتی نداریم که با هم بکنیم. مشورت یعنی اینکه وقتی عقیده طرف را می پرسند قبول کنند و یا به یک نتیجه خوب برسند، نه این که با کسی مشورت بشود ولی بعد هر کاری را می خواهند، انجام بدهند و یا بخواهند چیزی را که دوست دارند، بشنوند، خوب دیگه این اسمش مشورت نیست. چنانچه کتابخانه ای از من بخواهد به عنوان مشاور در آنجا کار کنم، شرط اول من این است که به یک کتابدار متخصص برای کتابخانه نیاز دارید. چون فرضاً هفته ای یک الی دو روز هم در آنجا حضور داشته باشم و راجع به انجام کارهای لازم نظر بدهم، وقتی فرد متخصص برای انجام کار وجود نداشته باشد، چه فایده ای دارد؟ جز این که وقت بنده و پول ایشان هر دو تلف شده باشد، و ضمناً آبروی شغلی من هم از بین برود. هنگامی که خانم دکتر حکمی به من پیشنهاد کردند مشاور کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی بشوم، قرار بود خانم راستین به عنوان رییس کتابخانه ها در آنجا مشغول کار شوند. تا روزی که شروع کار او مسجل نشده بود، من به آنجا نرفتم. چون نظرم این بود که کتابخانه های پژوهشگاه اول ریسی می خواهد که کتابدار متخصص با سابقه کار ۱۵ الی ۱۶ سال کار کتابداری باشد و بعد من به عنوان مشاور او هفته ای یک الی دو روز به آنجا بروم و با مشورت با هم کار کنیم. در کتابخانه شماره ۲ مجلس (سنای سابق) هم وقتی که به عنوان مشاور شروع به فعالیت کردم، بعد از سه ماه خانم مهرانگیز صمدی استخدام شد. البته در آن زمان نه ایشان تجربه کار طولانی داشت و نه خود بنده. در آن موقع تعداد کتابدار با تجربه زیاد نبود. زمانی که من با فوق لیسانس کتابداری شروع به کار می کردم، در ایران حدود ۲۵ نفر کتابدار فوق لیسانس بود و باید با همین که بود می ساختند. اگر خانم صمدی به این کتابخانه نیامده بود، با هفته ای یک روز که من می آمدم، کار به جایی نمی رسید. به هر حال همیشه مدیریت را کسان دیگری کردند و من هر آنچه که به نظرم درست می آمد، مطرح می کردم.

س - زمانی که شما فعالیت خود را در مرکز خدمات کتابداری شروع کردید، نحوه کار شما و همکارانتان چگونه بود؟

ج - زمانی که برای استخدام به این مرکز مراجعه کردم، رییس مرکز خدمات کتابداری آقای مظاهر در سفر بودند و خانم تفضلی معاون ایشان و خانم سلطانی رییس بخش فهرست نویسی بود، از من پرسیدند به چه کار کتابخانه تسلط داری، گفتم فقط مدرک فوق لیسانس دارم ولی هنوز کاری در کتابخانه نکردم و چیزی نمی دانم ولی حاضریم یاد بگیریم. بدین ترتیب جهت شروع کار، تمام ابزار کار کتابداری را مثل قواعد فهرست نویسی انگلو امریکن

(که در آن زمان هنوز ترجمه نشده بود) و Subject Heading و طبقه بندی L.C را مطالعه کردم و با راهنماهایی خانم پوری سلطانی و خانم تفضلی کار یاد گرفتم. در مرکز خدمات کتابداری کارمان خیلی جدی بود. فکر می کردیم مهمترین کار دنیا را داریم انجام می دهیم. شاید هم مقداری از این روحیه نشاء گرفته از تربیت خانوادگی باشد. در خانواده هم همه امور ما جدی بود. اکثر همکاران به جز کسانی که دارای همسر و فرزند بودند اگر کار عقب مانده داشتند زودتر از ساعت ۸:۳۰ الی ۹ شب به خانه نمی رفتند. در مدت ۲۰ سال که شاغل رسمی بودم، مجموعاً ۳۰ روز از مرخصی استعلاجی استفاده کردم و در آن شرایط هم کارم را برابر می آوردند و من در خانه کارها را انجام می دادم. من با آدمهایی هم که کار کردم و کار می کنم این گونه هستند. کارشان برایشان جدی و مهم است. برای خودشان آن قدر احترام قائلند که کاری که از زیر دستشان بیرون می آید، درست باشد. اگر اشتباهی هم رخ بدهد، دلیل آن ندانستن باشد نه کوتاهی در کار.

س - الان شرایط کار به گونه دیگری است و همه طالب پیشرفت های سریع شغلی و ارتقاء هستند. به نظر شما دلایل وجود این نوع روحیه در کار چیست؟

ج - اصولاً فرهنگ کار خصوصاً کار در سازمان های دولتی در مملکت ما درست نبوده و نیست. دلایل اختصاصی آن در زمینه کاری ما یعنی رشته کتابداری مسلماً قابل مطالعه است. چند دلیلی که ضمن به نظر من می رسد یکی این که تعداد لیسانس کتابداری خیلی بیشتر از فوق لیسانس است. کسانی که الان لیسانس کتابداری می گیرند، واقعاً در حدی نیستند که مسئولیتی را بتوان به آنها واگذار کرد. حداقل چند سال باید با یک کتابدار با تجربه کار کنند تا چیزهایی را که آموخته اند با تجربه توأم کنند. هم چنین شرایط فعلی به گونه ای است که اکثر کارکنان می خواهند خیلی زود به جایی برسند و وقت ندارند. آدم هم زمانی که وقت نداشته باشد، کار جدی هم نمی تواند انجام بدهد. کار جدی و خصوصاً کار تحقیقاتی، وقت می خواهد. در کار کتابداری هم اگر کسی وقت برای آموزش نگذارد، نتیجه اش درست در نمی آید. مسئله بعدی نحوه سیستم آموزشی است، وقتی کمیت بالا برود، نمی توان کیفیت را نیز به همان گونه حفظ کرد. زمانی فقط دانشکده علوم تربیتی رشته کتابداری داشت، در نتیجه از بین کتابداران متخصص بهترین ها را برای تدریس انتخاب می کردند. اما در حال حاضر بیش از ۲۰ دانشکده کتابداری را با عناوین و گرایش های مختلف درس می دهند، در نتیجه کیفیت پایین آمده. برنامه دوره فوق لیسانس کتابداری هم در دانشگاه ها به گونه ای است که درس فهرست نویسی از اهمیت لازم برخوردار نیست، در صورتی که سخت ترین

کار کتابخانه فهرست نویسی است. کاری است که وقت زیاد می برد و نتیجه نهایی آن از نظر عددی کم است. روسای غیرمتخصص کتابخانه ها هم اکثرأ فکر می کنند که فهرست نویسی کار ساده ای است و اهمیت لازم را بدان نمی دهند، به علاوه وقتی کسی در کنکور سراسری در انتخاب دهم خود قبول می شود، متفاوت است با کس دیگری که در انتخاب اول پذیرفته شود و فرهنگ کار این دو حتماً با هم متفاوت خواهد بود. در گذشته برای انتخاب دانشجوی کتابداری سعی می شد، اگر ۱۲ نفر پذیرفته می شوند، ۸ نفر آنها به گونه ای انتخاب شوند که این رشته را دوست داشته باشند. بقیه هم اگر در ابتدا به دنبال مدرک بودند، نهایتاً اغلب جذب کار کتابخانه می شدند.

س - به نظر شما چند درصد کار مفید کتابداری به تحصیلات دانشگاهی و چند درصد به تجربه کاری نیاز دارد؟

ج - تجربه شخصی خودم را اگر بخواهید، وقتی من فوق لیسانس گرفتم اصلاً کار بلد نبودم و صد در صد تجربی کار را آموختم. البته وقتی مدرک دانشگاهی باشد، آموزش کار از سطح بالاتری شروع می شود. حقیقت این است که وقتی کار به من دادند و گفتند انجام بده از شرمندگی این که بلد نبودم، تمام ابزار کار فهرست نویسی را به منزل می بردم و مطالعه می کردم و در نتیجه با پشتکار و مطالعه خودم و با راهنمایی های خانم سلطانی کار یاد گرفتم. خانم جمیله دبیری بهترین نمونه کتابدار تجربی این مملکت است که اصلاً کتابداری را در دانشگاه نخوانده و از ۹۰٪ کتابداران فهرست نویس این مملکت کارش بهتر است. البته داشتن مدرک تحصیلی در این رشته لازم است ولی آن چه که آدم را کتابدار می کند علاقه به کار، پشتکار و داشتن یک راهنمای خوب است.

س - برای ادامه راه این کتابخانه پیشنهادی دارید؟

ج - اول این که این مجموعه را به همین نحو در کنار یکدیگر نگهدارید و اگر کتابهایی وارد مجموعه شده که در سطح این مجموعه نیست، وجین شود. ضمن تعیین بودجه لازم، مجموعه تکمیل شود و اگر احیاناً قرار شد جابجا شود، یک نقل و انتقال حساب شده انجام گیرد. نه مثل نقل و انتقالی که به موزه نگارستان شد، چون ساختمان موزه، ساختمان مناسبی برای کتابخانه نیست و تنها حسن ساختمان فضای سالن است. هم چنین لزومی ندارد مراجعه کننده عمومی به این کتابخانه راه داشته باشد. باید آیین نامه استفاده از کتابخانه تخصصی "برای استفاده از این مجموعه تهیه شود. البته این آیین نامه ها موجود است. ضمناً اگر کتابهای بی ارتباط با مجموعه وجود نداشته باشد، خود به خود راه مراجعه کننده عمومی به این مجموعه قطع می گردد.

س - با توجه به این که شما از خیلی از کتابخانه‌های تخصصی دنیا دیدن کرده‌اید، مواد این آیین نامه باید چه چیزهایی باشد؟

ج - معمولاً در آیین نامه‌هایی که برای استفاده از کتابخانه‌های تخصصی تهیه می‌شود خیلی واضح به کسانی که می‌توانند از آن استفاده کنند، اشاره شده است. مثلاً داشتن مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیک برای استفاده از مجموعه ایرانشناسی - اسلام‌شناسی کافی نیست. اگر کتابخانه به جای درستی منتقل شود و جای مناسبی هم برای مطالعه ایجاد شود، آیین نامه درستی هم می‌توان برای استفاده از مجموعه آن تهیه کرد. نحوه صدور کارت عضویت برای کتابخانه شماره ۱ و کتابخانه شماره ۲ باید متفاوت باشد. چیزی که در ایران متأسفانه برای مردم جا نیفتاده است، نوع استفاده کننده از کتابخانه‌های تخصصی است. اکثر مدیران سازمان‌ها، فکر می‌کنند اگر کتابخانه‌ای ۲۰۰ نفر مراجعه کننده داشته باشد، بهتر است از کتابخانه‌ای که ۲۰ نفر مراجعه کننده در ماه دارد. در حالیکه اصلاً این گونه نیست. اگر کتابخانه‌ای به ۲۰ نفر مراجعه کننده به حق خود خدمات مفید ارائه دهد، موفق‌تر از کتابخانه‌ای است که به ۲۰۰ نفر مراجعه کننده‌ای که جایشان در آن کتابخانه نیست و وقت کارمند را گرفته خدمات خود را ارائه کرده است.

در این آیین نامه باید قید شود که قبل از هر چیز مراجعه کننده به این مجموعه باید کار تخصصی تحقیقاتی در زمینه ایرانشناسی - اسلام‌شناسی داشته باشد. برای شناسایی این مراجعین باید به این نحو عمل کرد. اگر دانشجویی و می‌خواهد پایان نامه خود را در این موضوعات بنویسد، استاد راهنمای او باید در نامه‌ای به کتابخانه موضوع تحقیق دانشجویی را بنویسد و بگوید که این دانشجو به این دلیل باید از منابع این کتابخانه برای مدتی استفاده کند و دانشجو با این معرفی نامه باید وارد کتابخانه بشود (حتی مدت استفاده از کتابخانه برای او محدوداً مشخص شده باشد، تا کارت عضویت برای همان مدت صادر شود). اگر محقق دایره‌المعارف بزرگ اسلامی باشد، یا محققى باشد که برای بخش ایرانشناسی کتابخانه ملی کار تحقیقی می‌کند، کارت استفاده دائم برایش صادر شود. ممکن است در این بین مراجعینی باشند که برای یک مقطع زمانی کوتاه بخواهند از کتابخانه استفاده کنند، این نوع مراجعین را باید راهنمایی کرد که با مسئول خدمات مرجع، مصاحبه‌ای داشته باشند و در این مصاحبه، نوع نیازشان مشخص شود و در صورتی که لازم بود، بتوانند برای مدتی از کتابخانه استفاده کنند و در غیر این صورت به کتابخانه‌های دیگر معرفی شوند. البته انجام این مصاحبه نیاز به مسئولی دارد که درست انتخاب شده باشد و مجموعه این کتابخانه را خوب بشناسد پس لازمه کار، داشتن کارمندان متخصص است

چون در غیر این صورت با کارمندانی که مجموعه را نمی‌شناسند، آیین نامه به تنهایی جوابگو نخواهد بود.

س - برای معرفی کتابخانه شماره ۲ چه کاری بهتر است انجام گیرد؟
ج - اگر کتابخانه‌ای، کتابدار حرفه‌ای نداشته باشد، بهتر است معرفی نشود. فرضاً مقاله خوبی راجع به منابع کتابخانه تهیه و منتشر شود، اگر به درستی نتوانید مراجعه کننده را راهنمایی کنید و یا خدمات مفید ارائه دهید، میزان ضرر بیشتر از منفعت می‌شود. چون توقعاتی برانگیخته شده که نمی‌توانند برآورده شوند.
س - اگر به شما پیشنهاد شود که رییس این کتابخانه بشوید، به چه نحو کار خودتان را آغاز می‌کنید؟

ج - من قبل از هر چیزی، به تمام نیروهای کتابخانه مدتی مرخصی می‌دادم و بعد از یکایک آنها برای مصاحبه دعوت می‌کردم. از آنها سوال می‌کردم که چه کار بلد هستید؟ چه کار دوست دارید بکنید؟ چه کاری حاضرید انجام دهید؟ اگر کسی سواد عمومی فارسی نداشته باشد و یک زبان فرنگی را خوب نداند، برایش جای دیگری کار پیدا می‌کردم. چون اگر کارمندی نتواند کارش را خوب انجام بدهد، غیر از این که حقوقی دریافت می‌کند از امکانات سازمان مثل آب، برق، تلفن و... نیز استفاده می‌کند. مانع انجام کار خوب سایر کارمندان سازمان نیز می‌شود. اگر سازمان فقط حقوق او را بدهد و بگوید در منزل بنشینند. مشکلش کمتر است از حضور بی منفعت. برای اداره این کتابخانه با ۸ الی ۹ نفر نیروی خوب و ورزیده می‌توان شروع کرد و خدمات مفید ارائه داد. تعداد کارمند زیاد در یک سازمان، دست و پاگیر است و مانع پیشرفت کار.

س - ساختمانی که کتابخانه شماره ۲ در آنجا مستقر است، ساختمان دولتی است و در اختیار مجلس است. در حال حاضر احتمالاً، کتابخانه باید آنجا را تخلیه کند. نظر شما در این باره چیست؟

ج - به نظر من این مسئله خیلی جدی است. باید به رییس مجلس نامه‌ای نوشت و در آن نامه گفته شود که این کتابخانه، یک کتابخانه با ارزش و غنی و مهم است چه از لحاظ معنوی و چه از بعد مادی و از ایشان خواست که اجازه ندهد به این راحتی مجموعه جابجا شود. چون هر کتابخانه بر اثر جابجایی‌های مکرر دچار خسارت جدی می‌شود. نگرانی این است که پس از انتقال مجموعه به این ساختمان، دوباره بعد از مدتی همین مشکل پیش بیاید. برای جابجایی حدود ۴۲/۰۰۰ جلد کتاب باید فضای مناسبی را تهیه کرد. با توجه به این که هر ۱۲۰ جلد کتاب، یک متر مربع فضای مخزن لازم دارد. تقریباً فضای مورد نیاز مخازن باید حدود ۴۰۰۰ متر باشد، تازه این اول بسم الله است. به علاوه جا برای کارکنان و مراجعین، مخزن کتابخانه باید یکپارچه باشد، اگر قرار شد که حتماً این کار صورت بگیرد، با کسانی که دارای تجربه

کردیم. مخازن را تعیین نمودیم و تعداد قفسه‌ها و چگونگی نصب آنها را بررسی کردیم.

بعد با کمک تمام کارکنان بخش ایران‌شناسی و آقای نیکنام کتاب‌ها را بسته بندی کردیم. کارگران فقط قفسه‌ها را باز کردند و جعبه‌های کتاب را حمل کردند. در ساختمان نیاوران نیز با همه کارکنان بخش ایران‌شناسی حتی به بستن قفسه‌ها نظارت داشتیم. به علت نداشتن بودجه کافی، حمل جعبه‌های کتاب با وانت که سقف آن هیچ پوششی نداشت، انجام می‌گرفت. شخصاً هر بار کنار راننده می‌نشستم (با تهیه امکانات لازم مثل نایلون و نخ و غیره) چون در فصل پاییز بود و امکان بارندگی وجود داشت. عده‌ای از کارمندان در مبدأ و عده‌ی دیگر در مقصد حضور داشتند. کلیه کتاب‌ها را خود کارمندان دوباره در قفسه‌ها چیدند. جابجایی کتابخانه کار آسانی نیست و صرفاً با کارگر نمی‌شود این کار را انجام داد. اگر کتابی از دست کارگر افتاد و شیرازه آن پاره شد چه می‌توان کرد؟ این کار با کتابدار است. البته کارگر می‌تواند کمک کند ولی با حضور کتابداری که دلش برای کتابخانه می‌سوزد.

هستند در این باره مشورت کنید. محل جدید باید به گونه‌ای باشد که دوباره بعد از مدتی ناچار به جابجایی نشوید. اگر هم این مجموعه در کارتن بماند، اسباب شرمندگی برای کل جامعه کتابداری است، چه برسد به کتابخانه مجلس.

س - آیا شما راجع به نقل و انتقال کتابخانه‌ها، خاطراتی دارید؟ لطفاً توضیح بفرمایید.

ج - اولین خاطره من مربوط به جابجایی مرکز خدمات کتابداری است، که از خیابان خردمند به ساختمانی نبش خیابان کاخ (فلسطین جنوبی) و خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) منتقل گردید. در آن زمان مرکز خدمات کتابداری ۲۷ الی ۲۸ نفر کارمند داشت و تمام کارکنان با ماشین‌های شخصی کلیه کتوهای برگه‌ها را پس از بسته بندی حمل کردند. تجربه بعدی من در کتابخانه ملی بود که قرار شد مجموعه ایران‌شناسی آن را از ساختمان نبش خیابان فلسطین به ساختمان نیاوران انتقال بدهیم. قبل از انجام جابجایی خانم راستین و من جای جدید را بررسی کردیم. تمام فضاها را اندازه‌گیری کردیم و تمام اطاق‌های کارمندان را تعیین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

